

السَّلَامُ عَلَيْنَا مَسْئَلُكَ

چرا امام حسین علیه السلام بعد از دریافت پیام شهادت مسلم بن عقیل، به حرکت خود ادامه دادند؟

این سوال در صورتی مطرح است که علت اصلی قیام امام را دعوت کوفیان بدانیم، در حالی که عوامل متعددی در قیام امام دخیل بود. من جمله سه عامل مهم:

۱. عدم بیعت امام با یزید
 ۲. دعوت کوفیان
 ۳. امر به معروف و نهی از منکر
- امر به معروف و نهی از منکر مهمترین عامل و انگیزه قیام امام حسین علیه السلام به شمار می‌رود. چه کوفیان دعوت می‌کردند و چه دعوت نمی‌کردند، قیام امام صورت می‌پذیرفت. استاد شهید مطهری می‌افزایند: آنچه در کتابهای مدارس گذشته آمده بود و در آن انگیزه قیام امام حسین علیه السلام را نامه‌های مردم کوفه معرفی می‌کردند، حرفی است بی اساس و خلاف واقع؛ زیرا امام حسین علیه السلام قیام و نهضت خویش را از مدینه آغاز کرده بود، در حالی که نامه‌های مردم کوفه پس از دو ماه اقامت در مکه به دست آن حضرت می‌رسد.

با استعانت از خداوند و با نام او می‌دانیم که هرروز از دهه‌ی عاشورا، منتسب به یکی از شهیدان کربلاست؛ پس فرصت را غنیمت شمرده و هرروز را به پرسش و پاسخ پیرامون یکی از آن بزرگواران اختصاص می‌دهیم.

روز اول: مسلم بن عقیل

یکی از راه‌های شناخت ویژگی‌های مسلم بازخوانی ویژگی‌های وی از زبان امام حسین علیه السلام است. امام در نامه‌ای که هنگام مأموریت مسلم به کوفه برای کوفیان نگاشته، او را به عنوان برادر و پسر عمو و فرد مورد وثوق و اعتماد در خاندانش معرفی کرده است. امام هم چنان هنگام حرکت مسلم بن عقیل، از خداوند خواسته که آن چه را دوست دارد و بدان راضی است برای مسلم مقدر فرماید و آرزو کرده که خودش و مسلم در درجه شهیدان قرار بگیرند و مسلم در سایه و پرتو برکت الهی به راهش ادامه بدهد. گریه کردن هنگام وداع با مسلم و گریستن و تکرار آیه استرجاع (انا لله وانا الیه راجعون) هنگام دریافت خبر شهادت وی، نشانگر جایگاه ویژه مسلم نزد امام علیه السلام است. دقت در فرازهایی زیارت مسلم بن عقیل (ع) حاکی از مقامات و فضایل روحی اوست. در این زیارت، ادامه دادن راه مجاهدان جنگ بدر، اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد در راه خدا، استقبال از شهادت در راه خدا، وفای به عهد و پیمان الهی و تقدیم جان در راه یاری حجت خدا به عنوان ویژگی‌های مسلم بیان شده است.



بل من دابین عن حرم رسول الله

آیا دفعی هست تا تحریم پیامبر و فدای نماید؟

پایخ به چند شبهه پیرامون عاشورا

معاونت پژوهش مدرسه علمیه فاطمه الزهرا - سلام الله علیها - آبادان

چرا وقتی موقعیت ترور این زیاد برای مسلم بن عقیل فراهم شد، این کار را انجام نداد؟

ماجرای مربوط به حضور مسلم بن عقیل در خانه هانی بن عروه بود که وقتی مسلم و هانی و شریک بن حارث همدانی با خبر شدند که عبیدالله بن زیاد قصد عیادت شریک را دارد، تصمیم گرفتند در یک فرصت مناسب، او را به قتل برسانند. اما وقتی عبیدالله به منزل هانی آمد و مشغول گفتگو با شریک شد، مسلم بن عقیل که در گوشه‌ای مخفی شده بود، هیچ اقدامی برای قتل عبیدالله انجام نداد و او به سلامت از منزل هانی خارج شد. وقتی شریک از مسلم علت این تعلل را پرسید، مسلم گفت: به دو دلیل اقدام به قتل غافلگیرانه عبیدالله نکردم: اول: هانی از اینکه این قتل در خانه او اتفاق افتد، راضی نبود؛ دوم: پیامبر اکرم (ص) از قتل غافلگیرانه نمی‌کرده است. فتک به معنای آن است که شخصی کسی را که نزد اوست و غافل است (از نیت آن شخص) مورد حمله قرار دهد و به قتل رساند. حدیث ممنوعیت فتک در دو کتاب از کتب اربعه شیعه نقل شده است. مرحوم کلینی و شیخ طوسی با سند مرسل آن را به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان کرده‌اند. این حدیث در منابع اهل سنت با عبارت «الایمان قید الفتک» از طرق متعددی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است.

اما مواردی از قتل غافلگیرانه در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله دیده می‌شود. در اینجا باید به دو نکته توجه کرد:

۱. غافلگیری به معنای بی‌خبری مطلق است اما در مواردی که از پیامبر صلوات الله علیه نقل شده، افراد مورد نظر در فضای جنگ علنی بوده و یا نقض عهد کرده‌اند و همه مربوط به زمان پس از هجرت در مدینه می‌باشند نه مکه.
۲. افرادی که به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به قتل رسیدند، نه تنها مسلمان نبودند، بلکه حتی به عنوان سران نفاق نیز شناخته نمی‌شدند. یعنی حتی مسلمانان ظاهری که با کفار قریش و یهود مدینه همکاری می‌کردند و در ضدیت با اسلام بودند نیز مورد هدف قرار نگرفتند؛ به رغم اینکه جرمشان ظاهراً از کفار و یهود سنگین تر بود؛ زیرا از درون جامعه اسلامی و از پشت خنجر می‌زدند. اما هیچگاه پیامبر صلی الله علیه و آله دستور به قتل غافلگیرانه آنان ندادند. بر این اساس باید میان اقدام مسلم بن عقیل با دستورات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تفاوت قائل بود. اگرچه ممکن است عبیدالله به جهت جنایاتی که تا آن زمان مرتکب شده بود و نیاتی که برای آینده داشت از یهودیان پنهان‌شکن به مراتب پلیدتر باشد، اما او در ظاهر مسلمان است. به همین دلیل شریک به او گفت که اگرچه او در ظاهر مسلمان است اما در واقع او فاسق فاجر کافر غادر است.

افزون بر مطالب یاد شده در چرایی اقدام مسلم بن عقیل برای عدم قتل عبیدالله بن زیاد، ذکر این نکته نیز ضروری است که حتی اگر قتل عبیدالله به عنوان قصاص لازم می‌بودلیمان بود و شهادتین را بر زبان جاری ساخته بود. اسلام همواره بر مراعات ظاهر حال تأکید کرده و از هرگونه قتل و تجاوزی علیه مسلمانان ظاهری بر حذر داشته است. البته با نگاهی به سخن مسلم بن عقیل فهمیده می‌شود او به دلیل مراعات این اسلام ظاهری، از قتل عبیدالله منصرف شد؛ زیرا استناد او به روایت پیامبر (ص)، با قید «ایمان» است و مراد از ایمان در این روایت، اس، این حکم باید از سوی حاکم شرع که امام معصوم است، صادر شود. دستوراتی که از اهل بیت علیهم السلام برای قتل غافلگیرانه برخی از دشمنان ایشان نقل شده است، در این راستا تفسیر می‌شود؛ بدین معنا که ایشان خود حاکم شرع و آگاه به امور بودند و با فراهم شدن شروط ارتداد، حق صدور دستور قتل داشته‌اند.

